

عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربی در تربیت اعتقادی از منظر آیات و روایات

محمد راشد نسب^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

چکیده

تربیت اعتقادی، یکی از ابعاد تربیت دینی انسان است و برقراری ارتباط مؤثر بین مربی و متربی از لوازم تحقق آن به شمار می‌آید؛ مربی باید به ذهن مخاطب راه یابد تا بتواند بر متربی تأثیر بگذارد. به همین جهت، ابتدا باید به دل او نفوذ کند. تجربه‌های پیشین تربیتی گویای این واقعیت است که عواملی شناخته شده و گاهی مرموز مانع ایجاد ارتباط مؤثر می‌شوند. بنابراین برای نیل به هدف، ابتدا باید عوامل از بین برنده ارتباط را شناسایی کرد و سپس به حذف یا برداشتن آن موانع پرداخت. از این روی نوشتار پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی در پی استخراج و دسته‌بندی عوامل کاهش دهنده نقش ارتباطی بین مربی و متربی و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برخی عواملی همچون ناهماهنگی یا حتی تناقض بین اعتقادات مطرح شده از سوی مربی با رفتار او، توهین به مقدسات و اعتقادات مخاطب و رعایت نکردن سطح فهم و آگاهی مخاطب، مربوط به باورهای مربی هستند. همچنین برخی عوامل مانند خشونت و تندی، تکبر و خودبرتربینی و وضعیت نامناسب ظاهر مربی، مرتبط با رفتار مربی و برخی عوامل دیگر مانند به‌کارگیری روش زور و اجبار، استفاده از روش ناصحیح در گفت‌وگو و استعمال نادرست روش تنبیه، به روش‌های تربیتی مورد استفاده توسط مربی برمی‌گردند.

واژگان کلیدی: ارتباط اثربخش، تربیت اعتقادی، مربی، آیات، روایات

۱. دانش‌پژوه سطح ۲ کلام اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛ mrashed7075@gmail.com

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های رستگاری انسان که نقش اساسی در سعادت زندگی دنیا و آخرت او دارد، تربیت اعتقادی اوست. زیرا گفتار و رفتار آدمی از اعتقاداتش سرچشمه می‌گیرند. لذا پرداختن به این بعد از تربیت، بسیار حیاتی است.

در فرآیند تربیت اعتقادی، مربی به‌عنوان هدایت‌گر، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری عقاید مخاطب دارد؛ به دلیل اینکه باید مقدمات پذیرش عقاید را برای مخاطب خود فراهم آورد.

از لوازم بسیار مهم جهت آماده‌سازی افراد در تربیت اعتقادی، برقراری ارتباط مؤثر با آنها است. ارتباط، به‌عنوان اولین گام در راستای تربیت اعتقادی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که اگر ارتباط با مخاطب برقرار نشود، بهترین و تأثیرگذارترین روش‌ها و محتواهای اعتقادی نیز نمی‌توانند ما را در رسیدن به هدف یاری کنند. بنابراین جهت کسب موفقیت در تربیت اعتقادی، علاوه بر تسلط بر مباحث اعتقادی و روش‌های مؤثر در بیان آنها، برخورداری از قدرت نفوذ و ارتباط سازنده نیز لازم است.

در فرآیند حصول ارتباط اثربخش، عواملی وجود دارند که در اتصال ارتباط اهمیت بسزایی دارند، اما تا زمانی که موانع آن شناسایی و رفع نشوند، برقراری ارتباط میسر نخواهد بود. برخی از موانع موجود در ارتباط، مربوط به خود مربی هستند و تا زمانی که او نتواند آن موانع را برطرف سازد، ارتباط صحیح و کارآمد محقق نمی‌شود. در نتیجه، هدف مد نظر، یعنی تربیت اعتقادی تحقق نخواهد یافت.

از این رو، مربی باید بکوشد ارتباط با مخاطب به‌نحو احسن انجام شود تا هدف مد نظر محقق گردد. پژوهش پیش‌رو به روش توصیفی - تحلیلی درصدد یافتن عوامل فروگاهی نقش ارتباطی بین مربی و متربی در مباحث اعتقادی از منظر آیات و روایات، با جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته؛ تألیفات موجود در این زمینه یا به‌صورت کلی و در موضوع موانع تربیت دینی بوده و یا به بررسی آسیب‌ها و راهکارهای مقابله با آنها از منظر قرآن کریم پرداخته‌اند. برخی دیگر نیز ابعاد دیگری از این مسئله مانند تربیت سیاسی و تربیت عقلانی را بیان نموده‌اند.

نزدیک‌ترین اثر پژوهشی تولید شده درباره موضوع پژوهش حاضر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر قرآن و روایات با تأکید بر نقش مربی آسیب‌زا» نوشته زینب خیراللهی، دانشکده «اصول دین» در سال ۱۳۹۴ است. در بررسی‌ها روشن شد که پژوهش‌های انجام شده در این عرصه به بیان موانع مربوط به دیگر ابعاد تربیت پرداخته‌اند؛ علاوه بر اینکه هیچ‌کدام از آنها مربوط به مربی نیستند. نزدیک‌ترین پژوهش نیز عوامل کاهش دهنده نقش ارتباطی مربی را اولاً به‌صورت عام و با موضوع تربیت دینی بررسی کرده و ثانیاً موارد آن را به‌صورت ناقص بیان کرده است؛ در حالی که پژوهش پیش‌رو با تتبع در آیات و روایات، به بعد اعتقادی تربیت پرداخته و موارد بیشتری را مورد بحث قرار داده است.

۲. بینش‌ها و باورهای مربی

برخی از عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربی، ریشه در بینش‌ها و باورهای مربی دارد که خود دارای گونه‌های مختلفی است و در ادامه به بیان آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱. ناهماهنگی اعتقادات مطرح شده از سوی مربی با رفتار او

یکی از آفت‌های ارتباط مؤثر در تربیت اعتقادی این است که گاهی بیان یا گفتار مربی با سیره عملی یا رفتار او متفاوت باشد. اعتقادات و عملکرد مربی در برقراری ارتباط و همراه کردن مخاطب جهت پذیرش اعتقادات دینی، بسیار تأثیرگذار است. چنانچه در گفتار و رفتار مربی دوگانگی مشاهده شود، روند برقراری ارتباط با آشفته‌گی و نابسامانی جدی مواجه می‌شود. قرآن کریم گفتار بدون عمل را مورد نکوهش قرار داده و آن را مایه خشم و غضب شدید خداوند متعال می‌داند: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲ - ۳)، همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ «آیا شما مردم را به نیکوکاری دعوت نموده و لکن در عمل، خود را فراموش می‌کنید؟» (بقره: ۴۴) پس اعتقادات صحیح مربی زمانی تأثیر خود را نشان می‌دهد که خودش به آنها عامل باشد.

رفتار مربی نسبت به گفتار او از اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است و در صورت همراهی و هماهنگی رفتار و گفتار مربی، تأثیرگذاری آن چندین برابر خواهد شد. از نگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) باید قبل از اقدام به اصلاح و تربیت دیگران به خودسازی و تزکیه نفس پرداخت و در تربیت دیگران، باید تربیت عملی را بر تربیت گفتاری مقدم کرد؛ «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَلْبِسْ أُنْثَىٰ قَلْبًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ». (رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۰) نکته قابل برداشت از کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که اولاً مربی باید قبل از پرداختن به تربیت دیگران، خودش جزء تربیت‌یافتگان باشد؛ ثانیاً تعلیم و تربیت عملی بر تعلیم و تربیت زبانی تقدم دارد و ثالثاً تربیت عملی به تنهایی کافی نیست و باید با تعلیم و تربیت زبانی همراه باشد تا اگر ابهامی در رفتار مربی مشاهده شد، به وسیله گفتار او برطرف شود.

همچنین آن حضرت پرداختن به اصلاح و تربیت دیگران قبل از خودسازی را بزرگ‌ترین عیب می‌دانند؛ «فَإِنَّ تَعَاطِيكَ صِلَاحَ غَيْرِكَ وَأَنْتَ فَاسِدٌ، أَكْبَرُ الْعَيْبِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۹) کسی که سخنی را به زبان جاری می‌کند، در حالی که خودش به آن عامل نیست، کلام او در مخاطب تأثیری ندارد و در متقاعدسازی او جهت عمل به آن سخن موفق نخواهد بود. این مطلب به روشنی در کلام امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمودند: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّخَا». (ورّام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق: ۸۲/۱)

نتیجه آن که گفتار مربی زمانی سودمند است که با رفتار او مطابقت داشته باشد و پرداختن به تربیت اعتقادی دیگران با گفتار صرف، نه تنها مؤثر واقع نمی‌شود، بلکه

یکی از عوامل بدینی مخاطب نسبت به عقاید دینی و فاصله گرفتن او از مربی به شمار می آید.

۲-۲. کوچک شمردن مقدسات و توهین به اعتقادات مخاطب

هدف دین اسلام هدایت انسان‌ها به سوی سعادت ابدی است. در طول رسیدن به این هدف متعالی، باید از ارتکاب اعمال مغایر با این هدف اجتناب کرد. از جمله اموری که ممکن است مربی انجام دهد و باعث انحراف مربی از مسیر هدایت شود، توهین و تمسخر عقاید اوست. همراه شدن تربیت اعتقادی با توهین به مقدسات و تحقیر شخصیت افراد، سبب برهم خوردن ارتباط مربی و مخاطبین او می شود. بنا به فرموده قرآن کریم سب و توهین مقدسات کسانی که غیر خدا را می پرستند، توهین متقابل را به دنبال دارد و آنها نیز به توهین و بی احترامی نسبت به خداوند متعال می پردازند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ». (انعام: ۱۰۸) با توجه به آیه مذکور، توهین به عقاید دیگران جایز نیست اگر چه متعلق آن، یک بت بی جان باشد. البته محترم شمردن اعتقادات دیگران به معنای حق دانستن آن نیست. تمامی عقاید دینی افراد را می توان با رعایت ادب و احترام مورد سنجش و ارزیابی عقلی قرار داد و از این طریق به صحیح یا باطل بودن آنها پی برد. پس اگر کلام مربی مسائل اعتقادی، همراه با توهین به باورهای طرف مقابل باشد، به قطع ارتباط طرفین می انجامد و غیر از عدم پذیرش عقاید صحیح، بی احترامی به مقدسات واقعی را هم در پی دارد و از این جهت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله سب و توهین را زمینه ساز عداوت و دشمنی بین مردم می داند: «الَّا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۵/۹۵۰)

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین متوجه شد که یارانش نسبت به پیروان معاویه فحاشی و توهین می کنند. ایشان آنها را از آن کار نهی کرد و لیکن ارزیابی کردار و ویژگی های نادرست لشکر دشمن را شایسته ترین کار معرفی کرد؛ «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ وَلَيْكُنْكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعُذْرِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۲/۵۶۱) اگرچه یاران معاویه جزء منافقان و ستمکاران بودند و به

لحاظ اعتقادی مشکلات عدیده‌ای داشتند، ولی امام علیه السلام از توهین و فحاشی نسبت به آنان ممانعت کرد؛ چرا که سب و توهین، سبب ایجاد نفرت می‌شود و آنها را از پذیرش سخنان حق امام علیه السلام باز می‌دارد. بر این اساس، مربیان تربیت اعتقادی باید شیوه قرآن و اهل بیت: را الگوی کار خود قرار دهند و ضمن پرهیز از توهین به اعتقادات مخاطب، سعی در ارتباط با او داشته باشند تا زمینه‌سازی پذیرش باورهای صحیح انجام شود.

۳-۲. بی‌توجهی یا رعایت نکردن سطح فهم و آگاهی مخاطب

یکی از عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربیان در تربیت اعتقادی، عدم رعایت میزان درک و فهم مخاطب در بیان مسائل اعتقادی است. برخی از مربیان اعتقادی بر این باورند که محتوای اعتقادی واحد برای انواع مخاطبین کارساز است؛ در حالی که این شیوه برخورد، موجب مخالفت بسیاری از آنها با عقاید مطرح شده توسط مربی می‌شود. بسیاری از اوقات اطلاعاتی که مربی به مربی منتقل می‌کند، با سطح فهم او مطابقت ندارد. از این رو، مخاطب او قادر به تجزیه و تحلیل مطالب دریافتی نخواهد بود. این مسئله باعث ایجاد شکاف عمیقی بین مربی و مربی می‌گردد و در نتیجه ارتباط اثربخش در بین آنها امکان پذیر نمی‌شود.

روش دین اسلام، بیان معارف دینی مطابق با فهم مخاطب است. طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله انبیای الهی: از جانب خداوند متعال مأمور شده‌اند تا معارف دینی از جمله معارف اعتقادی را مطابق با عقل و فهم مردم بیان کنند؛ «إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمُورَنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴/۱۳۶۳: ۳۷) طبق روایت مذکور، خداوند متعال درجات بالایی از علوم را در اختیار پیامبران قرار داده است، اما به آنها دستور داده تا هر یک از گروه‌های مردم را به اندازه ظرفیت عقلی‌شان از آن علوم بهره‌مند سازند تا از این طریق مقدمات هدایت آنان فراهم شود.

در سیره اهل بیت علیهم السلام مواردی دیده می‌شود که آنها در پاسخ به یک سؤال از افراد مختلف، جواب‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند. این امر بر این مطلب دلالت می‌کند که آن بزرگواران در مسیر هدایت اعتقادی افراد به ظرفیت عقلی آنها توجه ویژه‌ای

داشتند و متناسب با فهم مخاطبان با آنها به گفت و گو می پرداختند. برای نمونه، برخی افراد در رابطه با قدرت خداوند متعال، این شبهه برایشان ایجاد شده بود که آیا خداوند می تواند جهان را درون یک تخم مرغ جای دهد؛ (به گونه ای که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک)؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال به یک جواب اسکاتی بسنده کرده و بدین وسیله او را به سکوت در مورد این مسئله مجاب کردند. بدین دلیل که فهم او در حدی نبود که امام علیه السلام به جواب حقیقی بپردازد. زیرا آگاهی از پاسخ حقیقی او را به سوی گمراهی سوق می داد. ایشان قدرت داشتن خداوند متعال بر قرار دادن جهان هستی (با آن همه عظمت) در عدسی چشم انسان را دلیل بر توانایی او در قرار دادن جهان درون یک تخم مرغ دانست: «إِنَّ الَّذِي قَدَرَ أَنْ يُدْخِلَ الَّذِي تَرَاهُ الْعَدْسَةَ أَوْ أَقَلَّ مِنْهَا قَادِرٌ أَنْ يُدْخِلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا الْبَيْضَةَ». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷۹/۱) بدیهی است دنیا با تمام ابعادی که دارد در چشم انسان جای نمی گیرد، بلکه صورت آن در چشم انسان منعکس می شود. ممکن است منظور امام علیه السلام این باشد که همان خدایی که توان انعکاس تصویر جهان در چشم انسان را دارد (بدون بزرگ کردن چشم انسان یا کوچک کردن جهان) قادر است تصویری از همان جهان را درون یک تخم مرغ قرار دهد.

اما امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به چنین سؤالی، ضمن سلب عجز و ناتوانی از خداوند متعال، به وقوع پیوستن چنین امری را محال عقلی دانست؛ «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُنْسَبُ إِلَى الْعَجْزِ وَالَّذِي سَأَلْتَنِي لَا يَكُونُ». (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۳۰) پاسخ امام علیه السلام بدان معناست که قدرت خداوند متعال بی پایان است و به هر امر ممکن تعلق می گیرد، اما مشکل اصلی در این مسئله، ذات اشیاء ذکر شده هستند که چنین قابلیتی در آنها وجود ندارد؛ یعنی تخم مرغ این قابلیت را ندارد که در عین کوچک بودن، بزرگ باشد تا دنیا را درون خود جای دهد و دنیا نیز در عین بزرگ بودن، کوچک باشد تا درون تخم مرغ جای گیرد؛ به همین دلیل وقوع چنین امری محال است. پس این امور قابلیت به وقوع پیوستن را ندارند؛ چه فاعل آن خداوند قادر مطلق باشد، چه موجود دیگری غیر از او.

گاهی اوقات اهل بیت علیهم السلام در جواب سؤال مخاطب، پاسخی را بیان می‌کردند که در واقع جواب سؤال نبود، اما مخاطب را قانع می‌کرد. به عنوان نمونه، وقتی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد قضا و قدر سؤال شد، حضرت آن را به مثابه راه تاریکی دانست که پیمودن آن باعث گمراهی انسان می‌شود؛ لذا باید از قدم نهادن در این مسیر خودداری کرد. همچنین آن را مانند دریای عمیقی دانست که وارد شدن به آن باعث غرق شدن انسان می‌شود و در آخر فرمودند که این مسئله از رازهای خداوند است. بنابراین خود را به زحمت نیندازید. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش: ۴۰/۱) علت پاسخگویی امام علیه السلام به گونه مزبور، عدم ظرفیت عقلی کافی مخاطب، جهت فهم مطلب مد نظر است؛ به همین دلیل به مقتضای فهم او و با ارائه یک جواب قانع کننده، او را وادار به سکوت نمود.

زمانی که در بیان مباحث اعتقادی، سطح توان عقلی طرف مقابل در نظر گرفته نشود، او را به شبهات بسیاری مبتلا می‌کند که به دلیل ظرفیت عقلی پایین و عدم شناخت کافی نسبت به مسائل مطرح شده، توانایی حل کردن آنها را ندارد. لذا به انحراف اعتقادی او منتهی می‌شود. امیرمؤمنان علیه السلام برای جلوگیری از انکار باور به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، توصیه فرمودند که با مردم در حد فهم و ظرفیت عقلی آنها به بحث و گفت‌وگو بپردازید. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۴)

با توجه به تفاوت‌های فردی انسان‌ها، میزان فهم و شناخت آنها نسبت به یکدیگر متفاوت است. مربی تربیت اعتقادی باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا به میزان درک و فهم مخاطبین خود آگاهی پیدا کند و در نتیجه با بیان مسائل اعتقادی به مقتضای فهم‌شان آنها را به سوی هدف مورد نظر هدایت کند.

۳. منش و رفتار مربی

از جمله عواملی که در فروگاهی نقش ارتباطی مربی دخیل است، کیفیت برخورد با مخاطبین است. رفتارهای نادرست مربی مخاطبین را از او دور می‌کند. این دسته از عوامل، مصادیقی دارد که موارد آن به شرح ذیل است:

۱-۳. خشونت و تندی در برخورد

یکی از عوامل کاهش نقش ارتباطی مربی در تربیت اعتقادی، بداخلاقی و تندخویی است. مربی تربیت اعتقادی برای برقراری ارتباط اثربخش، باید خوش اخلاق و نرم خو باشد؛ در غیر این صورت، دیگران با او ارتباط برقرار نمی‌کنند و از محیط پیرامون او پراکنده می‌شوند. قرآن کریم خشونت و تندی در برخورد را یکی از عواملی می‌داند که ممکن است باعث متفرق شدن افراد از اطراف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شود: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)

این آیه به روشنی بر قطع ارتباط و دوری از مردم به‌خاطر رفتار خشونت‌آمیز دلالت دارد. وقتی صدور رفتار خشن از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله (که مملو از کمالات و مقامات والای الهی است) متفرق شدن افراد پیرامون او را در پی دارد، پیدایش این رذیله اخلاقی در وجود مربیان اعتقادی، به طریق اولی، قطع ارتباط آنان با طرف مقابل را به دنبال خواهد داشت. بنابراین مربی باید سعی و تلاش بیشتری به‌کار بندد و این آموزه الهی را سرلوحه کار خود قرار دهد تا با لطافت و نرم‌خویی در قلوب افراد نفوذ کرده و از این راه معارف ناب الهی را به آنها ارائه دهد.

خداوند متعال در داستان حضرت موسی و هارون علیهما السلام آنگاه که آنها را برای دعوت فرعون به خداپرستی مأمور ساخت، سفارش کرد تا این امر را با خوش‌رفتاری و نرمی در سخن انجام دهند تا بدین وسیله طبع سرکش و طغیان‌گر او را ملایم کرده و به قلب او نفوذ کنند؛ چرا که ممکن است با این روش، متذکر شود و آیین حق را بپذیرد یا شاید از خدا بترسد و از طغیان و سرکشی دست بردارد. (طه: ۴۴)

طبق برخی روایات، بدخلقی موجب خدشه‌دار شدن رابطه صمیمی افراد می‌شود؛ چرا که هیچ انسانی تحمل چنین برخوردی را ندارد و با دیدن رفتار خشونت‌آمیز، از صاحب آن دوری می‌کنند. (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۵)

بنابر آنچه از آیات و روایات بیان شد، نتیجه می‌گیریم که خشونت در رفتار و گفتار مربی به قطع ارتباط او با مخاطبین منتهی می‌شود؛ لذا مربیان تربیت اعتقادی باید از این شیوه برخورد خودداری کنند تا با ایجاد ارتباط مؤثر، زمینه تربیت اعتقادی متربیان را فراهم کنند.

۲-۳. تکبر و خود برتربینی

تکبر و خود برتربینی، یکی از عواملی است که ارتباط سازنده را با مشکل روبه‌رو می‌کند. خودبزرگ‌بینان همواره در پی رقابت و غلبه بر دیگران هستند، نه رفاقت و همدلی. آنان بدین سبب که دیگران را هم‌شأن خود نمی‌دانند از برقراری ارتباط مؤثر با آنان عاجز هستند. وجود چنین ویژگی ناپسند اخلاقی در مربی اعتقادی، پراکندگی افراد پیرامون او را به دنبال دارد.

مربی مسائل اعتقادی قبل از رسوخ در اعماق ذهن مخاطب، باید در قلب او نفوذ کند. بدیهی است که با این روحیه استکباری نمی‌توان بر دلها نفوذ کرد؛ زیرا به‌طور طبیعی، انسان‌ها از اطراف انسان‌های مغرور پراکنده می‌شوند. از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) افراد متکبر نمی‌توانند با دیگران ارتباط صمیمانه ایجاد کنند و رفتار آمیخته با تکبر از اسباب پیدایش فاصله بین افراد است. (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۵۷)

دارنده این صفت ناپسند در قرآن کریم مورد نکوهش واقع شده است، با این بیان که محبت خداوند متعال شامل چنین افرادی نمی‌شود: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (نحل: ۲۳) همچنین از تکبر به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شیطان و مسبب ورود او به وادی کفر یاد شده است؛ زمانی که خداوند متعال حضرت آدم (علیه السلام) را آفرید به فرشتگان دستور داد تا بر حضرت آدم (علیه السلام) سجده کنند. همگی جز شیطان بر آن حضرت سجده کردند و این‌گونه شد که او با تکبر ورزی در زمره کافران قرار گرفت: «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (ص: ۷۳-۷۴) زمانی که از او درباره علت سجده نکردن بر آدم (علیه السلام) سؤال شد، پاسخ داد: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ؛ مَنْ أَزْوَاجُ بَهْتَرَمَ». (ص: ۷۶)

در آیات فوق به‌وضوح مشاهده می‌شود که روحیه خود برتربینی در شیطان باعث خروج او از مسیر حق شد؛ همان شیطانی که بنابر پاره‌ای از روایات، شش هزار سال به عبادت و بندگی خداوند متعال پرداخته بود، اما لحظه‌ای تکبر و خودبزرگ‌پنداری تمام اعمال طولانی مدت و کوشش‌های بسیارش را نابود ساخت. (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴/۴۷۱) در ادامه همین روایت می‌فرماید: «در صورتی که انسان مانند شیطان مرتکب

چنین عمل ناپسندی شود، به سرنوشت او دچار می‌شود و از خشم و غضب الهی در امان نمی‌ماند».

مربی مسائل اعتقادی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به دلیل اینکه ارتکاب چنین عملی باعث نابودی تمامی تلاش‌های شایسته او شده و موجبات غضب الهی را فراهم می‌آورد. پس اگر مربی مسائل اعتقادی دچار خودبزرگ‌پنداری شود، نه تنها باعث نفوذ در فکر و اندیشه طرف مقابل نمی‌شود، بلکه انجام دادن این فعل قبیح به قطع ارتباطات انسانی و در نتیجه، انحراف اعتقادی افراد می‌انجامد؛ از این رو مربی اعتقادی باید تلاش کند تا با دوری از تکبر و غرور بر مخاطبین خود تأثیرگذار بوده و مقدمات هدایت آنها به سوی باورهای موجه را فراهم آورد.

۳-۳. وضعیت نامناسب ظاهر مربی

در دین مقدس اسلام، توصیه‌های فراوانی درباره آراستگی ظاهر و نظافت بدن وارد شده است؛ (پاینده، ۱۳۸۲ش: ۲۹۶) روایات، همگان را به زندگی زیبا و با طراوت دعوت نموده‌اند؛ «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۰۳)

نظافت در متون دینی به عنوان یکی از شرایط ایمان و دینداری یاد شده است. «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ» (مستغفری، ۱۳۸۵ق: ۲۱) انبیاء الهی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز پاکیزگی و نظافت را سرلوحه کار خود قرار می‌دادند و به رعایت آن پایبند بودند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۶۷/۵) همه انسان‌ها مطابق فطرت خود، میل به تمیزی و پاکیزگی دارند. انبیاء الهی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز علاوه بر میل فطری که در همه انسان‌ها وجود دارد؛ به دلیل رسالتی که عهده‌دار بودند؛ به این مهم اهتمام بیشتری داشتند؛ چون عدم رعایت پاکیزگی ظاهری آنان، زمینه‌ساز ایجاد تنفر در مردم و کناره‌گیری از آنها است. در نتیجه هدف نبوت آنان، یعنی هدایت مردم محقق نمی‌گردد. مربیان امور اعتقادی نیز به پیروی از پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، باید در رعایت پاکیزگی و نظافت خویش کوشا باشند، تا پل ارتباط با مخاطبین جهت تربیت اعتقادی آنها ایجاد شود.

وضعیت ظاهری نامناسب مربی، اولین عامل فروگاهی نقش ارتباطی او با مخاطب است. قبل از اینکه مربی شروع به سخن یا انجام کاری کند، وضعیت

ظاهری او نظر مخاطب را به خود جلب می‌کند؛ اگر از وضعیت ظاهری مناسبی برخوردار باشد، مخاطب را به خود جذب می‌کند و می‌تواند در تربیت اعتقادی او تأثیرگذار باشد، اما در صورت نامناسب بودن وضعیت ظاهر، مخاطب پذیرای او نخواهد بود. او در این صورت در تربیت و انتقال معارف اعتقادی به شخص مورد نظر موفق نخواهد بود.

اهل بیت علیهم‌السلام، عدم رعایت پاکیزگی بدن را عامل آزار و اذیت مردم و دوری آنها از انسان برشمرده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۶۲۰/۲) امام صادق علیه‌السلام در بیان علت استحباب غسل جمعه می‌فرمایند: «برخی از مردم مدینه در طول هفته به کار و فعالیت مشغول بودند که به واسطه آن عرق زیادی از آنها دفع می‌شد. زمانی که روز جمعه فرا می‌رسید، برای نماز در مسجد حضور می‌یافتند در نتیجه بوی نامطبوع بدن‌شان، موجب اذیت دیگران می‌شد. از این رو پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنها را به انجام غسل جمعه توصیه فرمود». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۱۱۲/۱)

از مجموع مطالب بیان‌شده روشن می‌گردد که آراستگی مربی در برقراری و استحکام ارتباط با متربیان تأثیر فراوانی دارد و این موضوع یک حقیقت غیر قابل انکار در جهان هستی است. لذا بر مربیان امور اعتقادی لازم است نسبت به این امر توجه ویژه داشته باشند تا بتوانند با پاکیزگی ظاهر، ارتباط مؤثری با مخاطبین برقرار کرده و معارف اعتقادی را منتقل کنند.

۴. روش‌های تربیتی مربی

روش‌های تربیتی نادرستی که توسط مربی استفاده می‌شوند، جزء عوامل فروگاهی نقش ارتباطی در تربیت اعتقادی به‌شمار می‌آیند و فاصله عمیقی بین مربی و متربیان ایجاد می‌کنند که فرآیند انتقال پیام را با اختلال روبه‌رو می‌سازند؛ آن عوامل عبارتند از:

۱-۴. به‌کارگیری روش زور و اجبار

یکی از عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربی در تربیت اعتقادی، استفاده از اجبار و تهدید در رفتار و گفتار است. انسان‌ها با توجه به نوع آفرینش خود، یعنی مختار

بودن در انتخاب، زور و اجبار را بر نمی‌تابند. منطبق قرآن در پذیرش دین نیز عدم اجبار و اکراهی بودن آن است. خداوند متعال در پذیرش عقاید دینی به انسان آزادی و اختیار عطا نموده تا در پرتو انتخاب خویش مسیر سعادت یا شقاوت را طی کند. قرآن کریم اجبار در پذیرش دین را به صراحت رد کرده است. (بقره: ۲۵۶) این عدم اجبار از منظر امام رضا علیه السلام به بدان معناست که هیچ کس برای انتخاب دین و عقیده اش اجبار نمی‌شود. (قمی، ۱۴۰۴: ۸۴/۱)

خداوند متعال در قرآن وظیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تبیین دین حق خوانده و پذیرش یا عدم قبول آن را به مخاطب واگذار کرده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ» (کهف: ۲۹) همچنین در فراز دیگری از آیات، خداوند متعال در صدد بی‌ارزش شمردن ایمان اجباری است و اکراه دیگران به پذیرش عقاید دینی را جایز نمی‌داند: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: ۹۹) این آیه شریفه خط بطلان بر تفکر کسانی است که به استفاده از روش زور و اجبار در دعوت مردم به پذیرش عقاید دینی معتقد هستند.

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به کارگیری زور و اجبار در قبول اعتقادات دینی را مورد مذمت قرار داده‌اند. بنابر نقل امیرالمؤمنین علیه السلام، گروهی از مسلمانان از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کردند که با به کارگیری زور و قدرت، مردم را به پذیرش دین اسلام مجبور کند تا با افزایش جمعیت مسلمانان بر دشمنان خود غلبه کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به این درخواست فرمودند: «دوست ندارم خداوند متعال را با انجام چنین بدعتی ملاقات کنم.» (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۳۴۲) طبق این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با قاطعیت و هم‌راستا با آیات قرآن، استفاده از اکراه و اجبار را برای وادار کردن مردم به پذیرش اعتقادات دینی نفی می‌کند و تحمیل عقاید دین بر دیگران را نوعی بدعت و خودسری در انجام وظایف دینی می‌داند که دستوری از جانب خداوند متعال نسبت به انجام آن وارد نشده است.

روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر استواری و حکیمانه بودن دین اسلام

تأکید می‌کند و از به کارگیری روش اکراه و اجبار در پذیرش این دین استوار، ممانعت به عمل می‌آورد؛ زیرا استواری دین حکم می‌کند که افراط و تفریطی در آن نباشد و دعوت به پذیرش آن دین هم با شیوه اعتدال انجام شود؛ پس معرفی چنین دین مستحکمی باید با روش رفق و مدارا باشد تا مخاطب با آرامش خاطر به تفکر درباره آن بپردازد و به حقانیت آن پی ببرد. (شریف الرضی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۴)

از مجموع مطالب بیان شده چنین به دست می‌آید که با توجه به ناسازگاری روح آدمی با اجبار و اکراه، اگر مربی بخواهد با توسل به زور و تهدید، پذیرش عقاید دینی را به مخاطب خود تحمیل کند، حتماً با مخالفت او روبه‌رو می‌شود.

۲-۴. استفاده از روش ناصحیح در گفت‌وگو

یکی از راه‌های به وجود آمدن عقیده صحیح در افراد، استفاده از روش گفت‌وگو و نقد آراء آنهاست. از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) تضارب آرا سبب حصول قول حق و استوار می‌شود؛ «اضربوا بعض الرأی ببعض یتولّد منه الصواب» (حکیمی، ۱۳۸۰ش: ۲۸۷/۱) همچنین در تعبیر دیگری با همین مضمون می‌فرمایند: «اضْمُمُ آراءَ الرِّجَالِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ اخْتَرِ أَقْرَبَهَا إِلَى الصَّوَابِ وَابْعَدَهَا مِنَ الْإِثْتِیَابِ». (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۴۸/۱۳)

چنانچه بحث و گفت‌وگو با روش صحیح، یعنی به منظور نمایان شدن حق و ارشاد جاهل انجام شود، باعث نفوذ در قلب طرف مقابل می‌شود و او را به پذیرش نظریه صحیح نزدیک‌تر می‌کند؛ اما در صورتی که به هدف غلبه بر دیگری، اظهار فضل و به رخ کشیدن علم خود باشد، نتیجه‌ای جز قطع ارتباط و دور شدن از حق را در پی ندارد.

از دیدگاه امام صادق (علیه السلام) کسب علم برای منازعه و برتری‌جویی باعث آزار و اذیت مخاطب و قطع ارتباط با او می‌شود. (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۴۰) از این حدیث فهمیده می‌شود که مراء و درگیری لفظی موجب آزار مخاطب شده و او را از گوینده کلام دور می‌کند؛ هر چند علوم و حقایق فراوانی در کلام او علم باشد. بنابر نقل امام هادی (علیه السلام) مراء و نزاع لفظی به قطع ارتباط و ازهم‌گسیختگی دوستی‌های دیرینه می‌انجامد. زیرا در درگیری‌های لفظی هر یک از طرفین سعی دارد به هر طریق

ممکن بر دیگری فائق آید و مخاطب را به پذیرش دیدگاه خود وادار کند؛ همین روحیه برتری‌جویی و غلبه بر دیگری علت اصلی قطع ارتباط آنهاست. (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۳۹)

گفت‌وگو به نحو باطل برای هر دو طرف گفت‌وگو، یعنی مربی و متربی، زیانبار است؛ برای مربی مباحث اعتقادی، از آن جهت که کلام حق او در مخاطب اثرگذار نخواهد بود و برای متربی هم به این دلیل که با مجادله و گفت‌وگوی غیر صحیح از دریافت کلام حق محروم می‌شود.

با توجه به آیات قرآن، گفت‌وگو از نوع باطل، شیوه مبارزه کفار با آیات الهی است تا به زعم خودشان، از این طریق حق را از میان بردارند. (کهف: ۵۶) بنابراین نمی‌توان با توسل به روش‌های باطل کفار، عقاید صحیح را به مخاطب القا کرد. گفت‌وگو به شیوه ناصحیح، بدبینی طرف مقابل نسبت به اعتقادات صحیح را به دنبال دارد و او را در عقاید باطل خود متعصب‌تر می‌کند. به همین دلیل خداوند متعال در قرآن دستور داده که دعوت مردم به پذیرش عقاید صحیح با روش حکیمانه و جدال احسن انجام شود: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل: ۱۲۵)

۳-۴. به‌کارگیری نادرست از روش تنبیه

یکی از روش‌های بسیار کاربردی که می‌تواند یاری‌گر مربی اعتقادی باشد، استفاده از روش تنبیه و آگاهی‌بخشی مخاطب نسبت به عقاید نادرست و پیامدهای مربوط به آن است. بنا به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام تنبیه یکی از عوامل بازدارنده انسان از کارهای ناشایست است. (خوانساری، ۱۳۶۶ش: ۳۳۵/۵) دوری از خطا می‌تواند مقدمه رسیدن به عقیده صحیح باشد. در واقع، دور ماندن از خطا اولین گام برای قرار گرفتن در مسیر حق است.

استفاده از روش تنبیه در بسیاری از آیات قرآن به‌عنوان یکی از روش‌های تربیتی توسط انبیاء علیهم السلام جهت هدایت اعتقادی انسان‌ها یاد شده است که در موارد فروانی همراه با روش تشویق بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله با ارائه دلایل محکم و استوار مردم

را به یکتاپرستی دعوت می‌کردند؛ سپس آنها را از نافرمانی خدا و کیفر دردناک آن هشدار داده و به فرمانبرداری از او و پاداش پرشکوهش نوید می‌بخشیدند. (طبرسی، ۱۳۹۰ش: ۷/۱۲)

تنبيه نادرست، روشی بازدارنده است که از حد اعتدال خارج شود و همراه با افراط و تفریط باشد. از منظر روایات، تنبيه مناسب ضوابطی دارد که اگر مریبان تربیت اعتقادی، خود را به رعایت آنها ملزم نکنند، در فرآیند ارتباط‌گیری با مخاطب جهت متقاعدسازی او به پذیرش عقاید دینی با شکست مواجه می‌شوند.

یکی از ضوابط تنبيه، تناسب آن با خطای صورت گرفته است تا بدین‌وسیله نتیجه مطلوب به دست آید. خداوند متعال در ماجرای تهمت به یکی از همسران پیامبر ﷺ میزان مجازات افرادی که در این قضیه دخالت داشتند را به اندازه گناه ارتكابی آنها می‌داند و برای کسی که نقش اصلی در اشاعه این تهمت داشت، مجازات سخت‌تری در نظر گرفت: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور: ۱۱)

یکی دیگر از ضوابط تنبيه، پرهیز از آن در حالت عصبانیت است. تنبيه مخاطب نسبت به خطای انجام شده، باید در زمان مناسب انجام شود تا در آگاه ساختن او تأثیرگذار باشد. از جمله زمان‌های نامناسب برای اعمال تنبيه، وقتی است که خشم مریب شعله‌ور شده است. پیامبر اکرم ﷺ از تأدیب و تنبيه در حالت خشم و غضب نهی می‌کردند. (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲۷۴/۱) همچنین بنابر فرمایش امیرالمؤمنین ﷺ، تأدیب و تنبيه هنگام خشم ثمره‌ای ندارد: «لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ» (آمدی، ۱۳۶۶ش: ۳۰۳) زیرا چنین حالتی، مانع خردورزی و اتخاذ تصمیم صحیح می‌گردد (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۳۱۹/۱) و در نهایت به پشیمانی انسان منجر می‌شود. (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۱۲)

خودداری از زیاده‌روی در تنبيه نیز از دیگر ضوابط تنبيه است. افراط در چنین امر مهمی آتش لجاجت را در وجود مخاطب شعله‌ور می‌سازد. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ق: ۸۴) همین مسئله باعث می‌شود مریب نتواند به درستی با مخاطب ارتباط برقرار کند. لذا تذکرات او برای طرف مقابل کارساز نخواهد بود. همچنین زیاده‌روی

در تذکر و تنبیه علاوه بر ایجاد لجاجت در مخاطب، کینه و دشمنی را نیز به دنبال دارد. (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۹)

یکی دیگر از ضوابط تنبیه در روایات اهل بیت علیهم السلام مناسب بودن مدت زمان تنبیه است. بر اساس روایت امام کاظم علیه السلام تنبیه نباید طولانی باشد: «وَاهْجُزُهُ وَلَا تُطِيلَ». (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۸۹) زیرا در صورت طولانی بودن زمان دوری از تربی به دلیل عدم اشراف کافی او نسبت به مسائل اعتقادی، دچار شبهات متعدد می شود که به تنهایی توان برطرف کردن آنها را ندارد؛ لذا به اموری غیر از عقاید اسلامی صحیح ملتزم می شود. طبق فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام، تربیت و تأدیب باید قبل از ابتلای فرد به انحرافات فکری و عقیدتی صورت گیرد: «فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَيَسْتَعِزَلَ لُبُّكَ». (ابن طاووس، ۱۳۷۵ش: ۲۲۳) لازمه کلام حضرت علیه السلام این است که در تربیت افراد، ارتباط مستمر وجود داشته باشد و دوری طولانی مدت، انحراف اعتقادی و عملی تربی را به دنبال خواهد داشت. پس مدت زمان دوری باید به اندازه ای باشد که باعث آگاهی او از خطای خویش گردد.

نتیجه گیری

در مسیر ایفای نقش ارتباطی مربی، جهت تربیت اعتقادی افراد، عواملی وجود دارد که صدور آنها از جانب خود مربی است و او را در فرآیند ارتباط با مخاطب با مشکل مواجه می کند؛ بنابراین برای اینکه بتواند ارتباط اثربخشی را با مخاطب ایجاد کند، باید موانع پیش رو را شناسایی کرده و نهایت تلاش خود را در راستای برطرف کردن آنها به کار بندد. طبق پژوهش حاضر که بر مبنای آیات قرآن و روایات اهل بیت: صورت گرفته، عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربی در تربیت اعتقادی، سه دسته هستند:

الف) عوامل مربوط به پیش و اعتقادات مربی: گروهی از عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربی، ریشه در بینش ها و اعتقادات نادرست مربی دارند. گاهی مربی طبق برخی باورهای خود، اعمالی را انجام می دهد که روند ارتباط را با اختلال مواجه می کند. ناهماهنگی اعتقادات مطرح شده از سوی مربی با رفتار او، توهین به مقدسات و

اعتقادات مخاطب، رعایت نکردن سطح فهم و آگاهی مخاطب، جزء این دسته از عوامل هستند.

ب) عوامل مربوط به منش و رفتار مربی: برخی رفتارهای مربی به گونه ای هستند که طرد شدن او از سوی مخاطب را در پی دارد. مربی اعتقادی می تواند با اصلاح این گونه رفتارها مرحله اول تربیت را با موفقیت پشت سر بگذارد. رفتارهای ناپسندی همچون: خشونت و تندی در برخورد، تکبر و خود برترینی و وضعیت نامناسب ظاهر مربی از این دسته هستند.

ج) عوامل مربوط به روش های تربیتی مربی: بخشی از عوامل فروگاهی نقش ارتباطی مربی، ناشی از روش های غلط اتخاذ شده از سوی او هستند. این دسته از عوامل نیز مانع برقراری ارتباط شده و تربیت اعتقادی را ناممکن می سازد. به کارگیری روش زور و اجبار، استفاده از روش ناصحیح در گفت و گو و استعمال نادرست روش تنبیه، از مصادیق این دسته از عوامل هستند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۲. _____، (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین.
۳. _____، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۵ش)، کشف المحجّة لثمره المهجّة، قم: بوستان کتاب، دوم.
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی ونجاح الساعی، قم: دارالکتب الاسلامی.
۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
۸. _____، (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، بی جا: دارالکتاب الاسلامی، دوم.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ش)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، چهارم.
۱۱. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰ش)، الحیات، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. حلوانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۸ق)، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، چهارم.
۱۴. خوانساری، آقا جمال محمد بن حسین، (۱۳۶۶ش)، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: دانشگاه تهران، چهارم.
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
۱۶. رضی، محمد بن حسین، (۱۴۲۲ق)، المجازات النبویه، قم: دارالحديث.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چهارم.
۱۸. طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ق)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریه، دوم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد بیستونی، مشهد: آستان قدس رضوی، دوم.
۲۰. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ش)، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، قم: رضی.

۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: امام امیرالمومنین علیه السلام.
۲۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ق)، قصص الانبياء علیهم السلام، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، سوم.
۲۴. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۶. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحديث.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۸. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، قم: موسسه فرهنگي اسلامی کوشانپور، دوم.
۲۹. مستغفری، جعفر بن محمد، (۱۳۸۵ق)، طب النبی صلی الله علیه و آله، نجف، مکتبه الحیدریه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سی و دوم.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تهران: صدوق.
۳۲. نوری، حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۳. ورام، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، قم: فقیه.